یادداشت روز

توافق در سه نگاه

شاید یادتان نیاید اما روزگاری نه‌چندان دور وزارت خارجه ایران شش کارگردان شناخته‌شده سینمای ایران در عرصه جهانی را به خط کرد تا پوستری با شعار «هیچ توافقی بدتر از عدم توافق نیست» را برایش ترویج و تبلیغ کنند.

شعاری که اگر با هر ضریب هوشی‌ای به آن نگاه کنیم، متوجه ساده‌لوحانه بودنش می‌شویم. این شعار برگرفته از بخشی از سخنان عجیب وزیر خارجه وقت ایران در مصاحبه با رادیو ملی آمریکا (NPR) در ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۴ (۲۶ شهریور ۱۳۹۳) بود که گفت: «هر نوع توافق بهتر از عدم توافق است».

سخنان کوته‌بینانه وزیر خارجه وقت ایران در حالی بیان شد که نزدیک به یک سال قبل از آن، جان کری وزیر خارجه وقتِ آمریکا گفته بود: «عدم توافق، بهتر از یک توافق بد است.» موضعی که کاملاً منطقی به نظر می‌رسید. اقدام وزارت خارجه در ترویج آن شعار و اظهارات وزیر خارجه وقت ایران آنقدر بد و غیرمعقول بود که رهبر شهید انقلاب نیز واکنش نشان دادند و با رد آن در ۱۹ بهمن ۱۳۹۳ فرمودند: «آمریکایی‌ها مکرّر تکرار می‌کنند و می‌گویند «ما معتقدیم که توافق نکردن، بهتر از توافق بد کردن است»؛ بله، ما هم همین عقیده را داریم؛ ما هم معتقدیم که توافق نکردن، بهتر است از توافق بد، توافقی که به ضرر منافع ملّی است، توافقی که موجب تحقیر ملّت بزرگ و باعظمت ایران است.» رهبر شهید انقلاب اندکی بعد مجدداً بر این دیدگاه تأکید کردند و باز هم در ۲۰ فروردین ۱۳۹۴ به نفی دیدگاه «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» پرداختند: «توافق نکردن بهتر از توافق بد است -که این حرف را آمریکایی‌ها هم می‌زنند- این فرمول، فرمول درستی است؛ توافق نکردن از توافق کردنی که در آن، منافع ملت پامال بشود، عزّت ملت از بین برود، ملّت ایران با این عظمت، تحقیر بشود [بهتر است]، توافق نکردن شرف دارد بر یک چنین توافق کردنی.»

حقیقتی واضح در پس این ماجرا وجود داشت و آن نگاه جریانی در داخل کشور به مذاکره و توافق با آمریکا بود. جان‌مایه تمام شبه‌استدلال‌های این جریان، همان جمله غیرمعقولی بود که محمدجواد ظریف به‌عنوان وزیر خارجه وقت ایران، خواسته یا ناخواسته به زبان آورد: «هر توافقی بهتر از عدم توافق است.» مشخص است جریانی که چنین نگاهی دارد، همه‌چیز را به پای «توافق با آمریکا» می‌ریزد و عجله‌ای وصف‌نشدنی در برقراری توافق دارد. همین هم بود تیرماه ۱۳۹۴ توافقی امضا شد که طی آن ایران امتیازات نقد و گسترده‌ای در حوزه هسته‌ای به طرف آمریکایی داد اما در ازای آن بنا بر اعتراف رئیس بانک مرکزی وقت ایران «تقریباً هیچ» چیز به دست نیاورد. شتاب‌زدگی دولتمردان وقت ایران در «توافق با آمریکا» نیز کاملاً عیان بود. رهبر شهید انقلاب یکی از دلایل خسارت‌بار بودن توافق برجام را همین موضوع دانستند و گفتند: «مشکلات فعلی در توافق هسته‌ای به خاطر عجله در زودتر به سرانجام رساندن توافق است. وقتی عجله داریم که کار را زودتر تمام کنیم و به جایی برسانیم، از جزئیات غفلت می‌کنیم و گاهی غفلت از یک امر جزئی، موجب ایجاد رخنه و نقطه سلبی در آن کار می‌شود.»

«مذاکره و دستیابی به توافق با آمریکا» برای این جریان آنقدر امری مقدس بود که خواستار پرهیز از هر اقدامی می‌شدند که حتی احتمال خدشه وارد کردن به آن را داشت؛ از شعارنویسی بر روی موشک‌ها گرفته تا ارسال کشتی کمک‌های انسان‌دوستانه ایران به یمن و تا حتی دفن شهدای یمنی در ایران که امکان انتقالشان به یمن در شرایط محاصره این کشور وجود نداشت.

این ناشیانه‌ترین و کوته‌بینانه‌ترین نگاه به «توافق با آمریکا» بود. نگاهی که نفس «توافق» فارغ از محتوای آن برایش موضوعیت داشت و هدف بود. برای دستیابی به این هدف عجله داشت، حاضر بود امتیازات فراوانی در ازای تقریباً هیچ تقدیم کند و از هر اقدامی که دستیابی به آن را با مانع مواجه کند، آزرده می‌شد.

علی‌رغم خسارت‌های حاصل از این رویکرد اما در دولت چهاردهم یک بار دیگر همین رویکرد در پیش گرفته شد. دولت چهاردهم برای دستیابی به توافق پذیرفت سطح غنی‌سازی را به زیر یک درصد کاهش دهد و حتی مقدمه مذاکره درباره موشک‌های بالستیک را پذیرفت اما ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، ایران مورد حمله دشمن آمریکایی-صهیونی قرار گرفت. دولت چهاردهم حتی پس از جنگ ۱۲ روزه نیز مجدداً همین رویکرد را در پیش گرفت و برای دستیابی به توافق حاضر شد امتیازات بی‌سابقه‌ای در حوزه هسته‌ای مانند از بین بردن ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد و پذیرفتن بازرسی از سایت‌های مورد حمله واقع‌شده بدهد اما باز هم در ۹ اسفند ۱۴۰۴ به کشورمان حمله شد.

پس از این تجربه‌های تلخ، به نظر می‌رسید با نگاه تازه‌ای به «توافق با آمریکا» مواجهیم. این بار رویکرد «توافق خوب بهتر از عدم توافق است.» جایگزین رویکرد خسارت‌بار قبلی شد. در مقایسه با شعار ساده‌لوحانه «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» این رویکرد دست‌کم اصول منطقی را رعایت کرده بود و کاملاً معقول به نظر می‌رسید. تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را شاید بتوان در چارچوب چنین نگاهی قرار داد.

صاحبان این نگاه حداقل دو پیش‌فرض در ذهن خود داشتند. اول اینکه می‌شود با آمریکا «توافق» کرد و دوم اینکه حتی می‌شود با آمریکا به «توافق خوب» هم رسید. تجربه اما ثابت کرد این نگاه نیز واقع‌بینانه نبود. در تفاهم اسلام‌آباد دست‌کم دو اصل مهم «قصاص» و «غرامت» نادیده گرفته شد تا زمینه دستیابی به «توافق خوب» از منظر صاحبان این دیدگاه را فراهم کند. اما حتی این نرمش زیاد از حد طرف ایرانی هم نتوانست طرف آمریکایی را به توافق پایبند کند. طرف آمریکایی برخلاف توافقی که به امضا رسانده بود دست از تهدید ایران برنداشت، حضور نظامیان تروریستش را در منطقه تقویت کرد، اموال مسدودشده ایران را آزاد نساخت و هرگز متعهد به پایان درگیری و خروج اشغالگران از خاک لبنان نشد. در نهایت حدود ۲۰ روز پس از امضای توافق، دشمن آمریکایی در ۱۶ تیر ۱۴۰۵ حمله به ایران را از سر گرفت و یک روز بعد رئیس‌جمهور آمریکا صریحاً گفت: «از نظر من، [این توافق] تمام شده است. دیگر نمی‌خواهم با آنها معامله کنم.»

صاحبان این دیدگاه از آنجا که «توافق خوب» با آمریکا را ممکن می‌دانند حاضرند برای دستیابی به توافق زمان بدهند و منتظر بمانند. آنها تمایلی هم به انجام اقداماتی که چشم‌انداز توافق را به هم بزند، ندارند. شاید این جمله وزیر محترم امور خارجه که «امیدوارم رفع محاصره از یک مسیر عقلایی صورت بگیرد» را بتوان یکی از عبارات صریح ناظر به همین دیدگاه دانست. غافل از اینکه با همین رویکرد محاصره دریایی به ایران تحمیل شد و سپس با ادامه همین رویکرد و ملاحظه حفظ چشم‌انداز توافق، محاصره هوایی و بعد از آن محاصره زمینی ایران شکل گرفت.

اما به‌غیر از دو دیدگاه فوق، دیدگاه دیگری نیز از همان ابتدا وجود داشت که اساساً «توافق با آمریکا» را امری «امکان‌ناپذیر» می‌دانست. رهبر شهید انقلاب ۱ مهر ۱۴۰۴ با تأکید بر اینکه «تجربه‌ها، به‌خصوص تجربه ده سال گذشته را نباید فراموش کرد» به‌صراحت این دیدگاه را تبیین کردند و فرمودند: «طرف مقابل ما در همه‌چیز خُلف‌وعده می‌کند، در همه‌چیز دروغ می‌گوید، فریب اِعمال می‌کند؛ وقت و بی‌وقت تهدید نظامی می‌کند؛ اگر دستشان برسد، اشخاص را ترور می‌کنند، همچنان که سردار شهید ما را، شهید سلیمانی را ترور کردند؛ یا مراکز هسته‌ای را بمباران می‌کنند؛ اگر بتوانند از این کارها می‌کنند. طرف یک چنین وضعیّتی دارد؛ با این طرف نمی‌شود مذاکره کرد، نمی‌شود با اطمینان و اعتماد نشست و حرف زد و حرف شنید و قرار گذاشت. به نظر من مذاکره با آمریکا برای مسئله هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بن‌بست محض است؛ یعنی هیچ راه درستی وجود ندارد برای اینها، بن‌بست محض است.»

همین دیدگاه نیز مجدداً در پیام رهبر فعلی انقلاب نیز تکرار شد و ایشان ۲۷ تیر ۱۴۰۵ پس از شروع مجدد حملات دشمن آمریکایی با اشاره به تجربیات گذشته فرمودند: «نقض عهدهای مکرّر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضاشده بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا بار دیگر این حقیقت را به همگان ثابت کرد که امضای رئیس‌جمهور آمریکا چقدر بی‌ارزش و نامعتبر است و زورگویی، تمامیت‌خواهی و وحشی‌گری، اجزای لاینفک مرام و مسلک آمریکایی می‌باشد. امروز شیطان بزرگ بار دیگر چهره واقعی و بدون نقاب خود را آشکار کرده تا این تجربه تاریک از جنایت و بدعهدی، سند محکم دیگری بر دروغگویی، غیرمنطقی و غیرقابل‌اعتماد و پلید بودن آمریکا باشد.»

در این نگاه علت «امکان‌ناپذیر بودن توافق با آمریکا» نه در توانایی یا ناتوانی دولت‌ها و رؤسای جمهور ایران که در ذات تعامل‌ناپذیر، بدعهد و سلطه‌طلب طرف آمریکایی ریشه دارد. کما اینکه در دولت شهید رئیسی به‌عنوان رئیس‌جمهور تراز انقلاب اسلامی نیز توافقی با آمریکا برای انتقال اموال ایران انجام شد اما طرف آمریکایی به آن هم پایبند نماند.

برخلاف دو دیدگاه قبل که عمده نگاه‌شان به خارج از مرزها در واشنگتن دوخته شده است؛ در این دیدگاه نگاه‌ها بیشتر به داخل معطوف است. دیگر مهم نیست در کاخ سفید یا کنگره آمریکا چه کسی نشسته است و از آن مهم‌تر دیگر ملاحظه موهومی در قالب «چشم‌انداز توافق» وجود ندارد که آزادی عمل ایران را محدود کند. در این دیدگاه ایران اسلامی از ابزارهای موجودش قدرت می‌سازد و قدرتش را در صحنه اعمال و بر دشمن تحمیل می‌کند. در چارچوب این دیدگاه باید عمیقاً باور داشت نظم مطلوب ایران در منطقه غرب آسیا و به‌تبع آن امنیت و آرامش پایدار برای ایران و محور مقاومت از مسیر «توافق با آمریکا» به دست نمی‌آید چون اساساً چنین توافقی «ممکن» نیست. این نظم را باید خودمان با قوی‌تر ساختن بنیان‌های داخلی‌مان و با قدرت خودمان و متحدان منطقه‌ای‌مان بسازیم و بی‌نیاز از هر توافقی اعمال کنیم.

سید محمدعماد اعرابی

دست دشمن آمریکایی- صهیونی برای ایران رو شده است

پروژه «پلیس خوب- پلیس بد»

ترفند نخ‌نمای آمریکا و اسرائیل در مواجهه با ایران

ترامپ و نتانیاهو با تقسیم نقش «پلیس خوب» و «پلیس بد» نمایش اختلاف می‌سازند، اما هر دو به دنبال ضربه نظامی به ایران‌اند؛ تهران اما آن را یک اراده واحد برای حمله نظامی مجدد می‌شناسد.

در فضای سیاسی پیرامون برنامه هسته‌ای و توان موشکی ایران، یکی از پرتکرارترین تصاویر سال گذشته میلادی، تصویر اختلاف میان دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو بر سر جنگ با ایران بوده است. ترامپ در یک نوبت می‌گوید عجله‌ای ندارد و می‌توان صبر کرد؛ نتانیاهو در نوبت دیگر می‌گوید اقدام نظامی اجتناب‌ناپذیر است. گاهی یک مقام آمریکایی چهره مخالف جنگ به خود می‌گیرد و کمی بعد یک مقام صهیونیستی لحن تهدیدآمیز خود را تشدید می‌کند.

این صحنه‌آرایی، اگر به‌صورت سطحی خوانده شود، نشانه شکاف در اردوگاه غرب تلقی می‌شود. اما خوانش دقیق‌تر و شواهد مستند نشان می‌دهد که با یک سناریوی هماهنگ روبه‌رو هستیم: «پلیس خوب - پلیس بد». در این سناریو، هدف تغییر نمی‌کند؛ فقط گوینده و لحن عوض می‌شود. هر دو بازیگر خواهان ضربه نظامی به ایران هستند و اختلاف ظاهری آنها برای خرید زمان، ایجاد ابهام و گمراه کردن تصمیم‌گیران کشور طراحی شده است.

تقسیم نقش‌ها؛ آمریکا «پلیس خوب» اسرائیل «پلیس بد»

برخلاف تصور اولیه‌ای که ممکن است رژیم صهیونیستی را در نقش «مخالف جنگ» بنشاند، ساختار سیاسی و امنیتی این رژیم به‌گونه‌ای است که صدای اصلی در آن، صدای موافقان اقدام نظامی است. اریک مندل، تحلیلگر مسائل غرب آسیا، در این باره می‌گوید لحن متفاوت ترامپ و نتانیاهو را نباید به معنای اختلاف خواند: «این می‌تواند یک فریب بزرگ باشد- نتانیاهو و ترامپ در حال بازی کردن نقش پلیس بد و پلیس خوب هستند». جان کریگ، سفیر پیشین آمریکا نیز تأکید می‌کند که «فشار [بر تهران] عمدی است» و مذاکرات می‌تواند «پیش‌درآمدی برای اقدام نظامی» باشد.

نقش «پلیس بد» به‌طور طبیعی به نتانیاهو سپرده شده است. او بارها بر آمادگی رژیم صهیونیستی برای اقدام نظامی تأکید کرده و حتی هدف نهائی را تغییر ماهیت نظام ایران اعلام کرده است. در نقطه مقابل، ترامپ نقش «پلیس خوب» را بازی می‌کند. او خود را میانجی و حامی مذاکره نشان می‌دهد، اما با جمله‌ای کلیدی این نقش را به نفع نتانیاهو رها می‌کند: «نمی‌توانم نتانیاهو را از دستور حمله بازدارم». این جمله، در واقع چراغ سبزی است به «پلیس بد» تا کار را تمام کند، در حالی که «پلیس خوب» دستانش را ظاهراً تمیز نگه می‌دارد.

تصحیح مهمی که باید در تحلیل گنجانده شود این است که اپوزیسیون نتانیاهو در رژیم صهیونیستی هرگز نقش «مخالف جنگ» را بازی نکرده است. رهبران اپوزیسیون میانه‌رو - یائیر لاپید، لیبرمن و نفتالی بنت- با وجود مخالفت سیاسی با نتانیاهو، علناً و قاطعانه از کارزار نظامی علیه ایران حمایت کرده‌اند. لاپید حمله به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران را «کار درست» خوانده و گفته است: «ما پشت دولت صف نکشیده‌ایم؛ پشت ضرورت اقدام در لحظه‌ای که اجتناب‌ناپذیر بود صف کشیده‌ایم». نفتالی بنت، دیگر چهره اپوزیسیون، صریح‌تر می‌گوید: «در جلوگیری از [دستیابی ایران به] سلاح هسته‌ای، راست و چپ و اپوزیسیون و ائتلاف معنا ندارد».

بنابراین، اختلاف در اسرائیل بر سر اصل جنگ نیست، بلکه بر سر زمان‌بندی، دامنه و تاکتیک آن است. اپوزیسیون نگران است که نتانیاهو برای بقای سیاسی خود، پیش از موعد مقرر وارد یک جنگ تمام‌عیار شود؛ نه اینکه با اصل ضربه زدن به ایران مخالف باشد.

آمریکا و نمایش «مخالفت درونی»

نقش «پلیس خوب» تنها به ترامپ محدود نمی‌شود. در درون دولت آمریکا نیز چهره‌هایی وجود دارند که مأموریت نمایش «مخالفت» را بر عهده دارند. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، آشکارترین نمونه این نقش است. گزارش‌ها حاکی از آن است که ونس هفته‌ها در محافل خصوصی با جنگ مخالفت کرده و در میان مقامات ارشد کاخ سفید، بزرگ‌ترین تردیدکننده نسبت به جنگ با ایران بوده است. مهم‌تر آنکه برخی از رسانه‌های داخلی، ونس را چهره‌ای «میانه‌رو» و «مورد قبول» برای مذاکره می‌دانند و آمریکا نیز آگاهانه همین تصویر را تقویت می‌کند.

این «مخالفت» دو کارکرد دقیقاً هماهنگ با سناریوی کلان دارد. نخست، به تهران این پیام را می‌دهد که «دست‌کم بخشی از دولت آمریکا خواهان جنگ نیست و می‌توان با آن به توافق رسید»؛ این همان کارکرد کلاسیک «پلیس خوب» است. دوم، اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، واشنگتن می‌تواند بگوید «همه گزینه‌های دیپلماتیک را امتحان کردیم، حتی با چهره‌های میانه‌رو، اما تهران تن به سازش نداد». ونس خود این «مخالفت» را «محرمانه» می‌نامد و از ارائه جزئیات مشورتش به ترامپ خودداری می‌کند؛ ابهامی که برای حفظ هر دو نقش- هم «مخالف» و هم «همدست»- ضروری است.

یک فریب از پیش طراحی‌شده نه یک اختلاف تاکتیکی

شواهد مستند نشان می‌دهد که این نمایش‌ها، یک برنامه فریب از پیش طراحی‌شده است، همچون نمایش‌های فریب پیش از جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه. پیش از جنگ رمضان، روزنامه واشنگتن‌پست در دسامبر ۲۰۲۵ فاش کرد که نتانیاهو و ترامپ پس از دیدار فوریه ۲۰۲۵، برنامه‌ای دقیق برای یک حمله بالقوه به ایران طراحی کردند و همزمان یک «برنامه فریب عمومی» مفصل به راه انداختند.

در این برنامه، داستان‌های نادرست عامدانه به رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی درز داده می‌شد تا این تصور ایجاد شود که اختلافی میان سیاست‌های دو طرف نسبت به تهران وجود دارد. به گفته روزنامه صهیونیستی اسرائیل هیوم، یک مقام مطلع از جزئیات گفت: «همه گزارش‌هایی که درباره هم‌صفحه نبودن بی‌بی با ویتکاف یا ترامپ نوشته می‌شد، درست نبود. اما خوب بود که این برداشت عمومی شکل می‌گرفت؛ به پیشبرد برنامه‌ریزی کمک می‌کرد بدون اینکه افراد زیادی متوجه شوند».

نمونه بارز این فریب، ماجرای حمله به میدان گازی پارس جنوبی است. ترامپ علناً گفت که «هیچ چیز» درباره این حمله نمی‌دانسته و رژیم صهیونیستی «از روی خشم» عمل کرده است. اما دو مقام آمریکایی بعداً تأیید کردند که ترامپ از قبل مطلع بوده و حمله را تأیید کرده است. این دقیقاً همان الگوی «پلیس خوبِ بی‌خبر» است که در واقع چراغ سبز داده و سپس دستانش را در برابر افکار عمومی پاک می‌کند.

تهران و پایان تماشاگری

این سناریو تنها تا زمانی کار می‌کند که طرف مقابل نشانه‌های نمایش را جدی بگیرد. اما این پیش‌فرض در تهران از کار افتاده و دیگر هیچ معنایی ندارد. تهران بارها اعلام کرده است که «دو بار در بازه نه ماه، درست در میانه یک فرآیند مذاکره، مورد حمله قرار گرفته» و این «خیانت به دیپلماسی» بوده است. مقامات ایرانی از طریق کشورهای میانجی، بارها پیام‌های مشابهی به طرف آمریکایی منتقل کرده‌اند.

اهمیت این واکنش‌ها در لحن تهاجمی آنها نیست؛ در تغییر رویکرد است. تهران دیگر اختلاف میان واشنگتن و تل‌آویو را شکافی قابل بهره‌برداری نمی‌بینند. آنها دیگر نمی‌پرسند «کدام یک موضع واقعی است؟»؛ بلکه همه اختلاف‌های علنی را بیان‌های متفاوت از یک اراده نظامی واحد می‌دانند.

وقتی «پلیس خوب» آمریکایی می‌گوید «عجله‌ای ندارم»، تهران آن را نه نشانه خویشتن‌داری، بلکه خرید زمان برای تکمیل استقرار نظامی می‌خواند. وقتی رژیم صهیونیستی از طریق پوتین پیام می‌فرستد که «قصد جنگ ندارد»، تهران آن را پوششی برای حفظ غافلگیری تفسیر می‌کند.

به گزارش مشرق، در نهایت اختلاف علنی ترامپ و نتانیاهو، و چرخش مقامات آمریکایی میان «مخالفت» و «تهدید»، را نباید شکاف در اردوگاه غرب تفسیر کرد. این یک پروژه هماهنگ مدیریت نشانه‌ها است: آمریکا نقش «پلیس خوب» را برای ایجاد فضای دیپلماتیک کاذب و حفظ ابهام بازی می‌کند، تل‌آویو نقش «پلیس بد» را برای اعمال فشار و تهدید، و حتی «مخالفت‌های» درونی در واشنگتن (مانند موضع ونس) بخشی از همین معماری برای فریب و مشروعیت‌سازی است.

غریب‌آبادی:

حامیان اصلی سلاح‌های شیمیایی امروز ژست طلبکار به خود گرفته‌اند

معاون وزیر امور خارجه تاکید کرد: امروز تلاش می‌شود جایگاه متهم و قربانی عوض شود و به متهمان و حامیان واقعی سلاح‌های شیمیایی فرصت داده می‌شود ادعای طلبکاری کنند؛ اما حضور و روایت جانبازان شیمیایی ایران، خود بزرگ‌ترین سند دروغگویی و کذب بودن ادعاهای دشمنان است.

کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران که برای شرکت در سی‌ویکمین کنفرانس سالانه کشورهای عضو سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW) به لاهه سفر کرده بود، روز دوشنبه (۲ آذر) در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران با جمعی از نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) فعال در حوزه مقابله با سلاح‌های شیمیایی و تعدادی از جانبازان شیمیایی دیدار و گفت‌وگو کرد.

غریب‌آبادی در این دیدار با قدردانی از فعالیت‌های ارزشمند سمن‌ها در روایت‌گری، روشنگری و آگاهی‌سازی درباره درد و رنج جانبازان شیمیایی، تلاش‌های آن‌ها را اقدامی مهم در جهت زنده نگه داشتن یاد و مظلومیت قربانیان دانست و بر حمایت همه‌جانبه وزارت امور خارجه از اقدامات و ظرفیت‌های این تشکل‌ها برای روشنگری افکار عمومی جهان تأکید کرد.

وی با اشاره به فضاسازی‌ها و اتهامات بی‌اساس اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران در حوزه سلاح‌های شیمیایی تصریح کرد: «متأسفانه امروز تلاش می‌شود جایگاه متهم و قربانی عوض شود و به متهمان و حامیان واقعی سلاح‌های شیمیایی فرصت داده می‌شود ادعای طلبکاری کنند؛ اما حضور و روایت جانبازان شیمیایی ایران، خود بزرگ‌ترین سند دروغگویی و کذب بودن ادعاهای دشمنان است و ما با جدیت تمام برای بازگرداندن جایگاه واقعی قربانی و متهم ایستاده‌ایم.»

معاون وزیر امور خارجه همچنین از تشکیل «کارگروه ویژه آسیب‌های ناشی از سلاح‌های شیمیایی» به منظور پیگیری حقوقی پرونده مصدومان شیمیایی خبر داد و افزود: «این کارگروه علاوه بر پیگیری‌های حقوقی علیه برخی از کشورهای غربی به عنوان تأمین‌کنندگان و حامیان این سلاح‌ها، مسئولیت مقابله حقوقی با ادعاهای بی‌اساس و همچنین پیشبرد پرونده‌های قضائی را در محاکم بین‌المللی بر عهده دارد.»

در ادامه این نشست، نمایندگان سمن‌ها و جانبازان شیمیایی نیز ضمن بیان دغدغه‌های خود، بر مواردی همچون رفع موانع تأمین دارو و تجهیزات درمانی، ایجاد بیمارستان تخصصی، حمایت مالی و ترویجی از برگزاری همایش‌های بین‌المللی و تولید آثار فرهنگی و ادبی درباره فاجعه سردشت، و همچنین ضرورت تکمیل و پیگیری شکایت‌های حقوقی علیه عاملان این جنایت تأکید کردند.

جنایت مدرسه میناب را نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم

همچنین معاون حقوقی وزارت خارجه با اشاره به دادگاه بررسی جنایت آمریکا و رژیم صهیونیستی در مدرسه میناب در برنامه ایکس نوشت: دادگاه بررسی جنایت آمریکا و رژیم صهیونیستی در مدرسه شجره طیبه میناب هم‌اکنون در حال برگزاری است.

وی تاکید کرد: همه بدانند؛ نه می‌بخشیم! نه فراموش می‌کنیم!

آمریکا و رژیم صهیونیستی در ۹ اسفند ۱۴۰۴ همزمان با آغاز جنگ رمضان، با حمله به مدرسه شجره طیبه میناب باعث شهادت ۱۵۶ دانش‌آموز و معلم این مدرسه شدند.

نایب رئیس مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان: تنها ایران کنار ما ماند

شیخ الخطیب با بیان اینکه هیچ کشوری جز ایران کنار لبنان نایستاد گفت سخنان جوزف عون بیانگر مواضع لبنانی‌ها نیست.

در ادامه انتقادات تند شخصیت‌ها و احزاب لبنانی به لفاظی‌های خائنانه اخیر جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان علیه ایران و مقاومت در راستای خدمت به دستور کار آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی، شیخ علی الخطیب، نایب‌رئیس‌مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان، طی سخنانی اعلام کرد که جایگاه رئیس‌جمهور متعلق به یک فرد، حزب، طایفه یا جریان خاص نیست، بلکه متعلق به همه لبنانی‌هاست. ازاین‌رو، رئیس‌جمهور هنگام سخن گفتن باید نماینده و بیانگر مواضع همه مردم لبنان باشد.

امتیازدهی‌های مداوم دولت لبنان تنها صهیونیست‌ها را گستاخ‌تر کرد

نایب‌رئیس‌مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان با اشاره به شرایطی که مردم این کشور در مواجهه با تجاوزات اسرائیل، کشتار، تخریب و ویرانی تجربه می‌کنند، گفت: این شرایط ما را وادار می‌کند از مسئولانی که وظیفه دارند در راستای منافع مردمی که نمایندگی آنان را بر عهده دارند عمل کنند، بپرسیم که در چنین وضعیتی چه مسئولیتی بر دوش دارند؟ طبیعی است که حاکمیت باید نماینده جامعه‌ای باشد که بر آن حکومت می‌کند. شیخ الخطیب سپس این پرسش را مطرح کرد که آیا اظهارات برخی مسئولان واقعاً در راستای منافع لبنان و مردم این کشور است؟ آیا این مواضع دستاوردی برای لبنان داشته یا منافع ملی را تأمین کرده است؟ آیا توانسته اسرائیل را به توقف بمباران، کشتار و تخریب وادار کنند یا برعکس، موجب تشدید این اقدامات شده‌اند؟

ایران قدرتمند و استوار ایستاده و تنها کشوری بود که از لبنان حمایت کرد

او با اشاره به لفاظی‌های عون علیه ایران و مقاومت گفت: انتظار داشتم رئیس‌جمهور درباره کسانی صحبت کند که به او وعده داده بودند، اما او تنها مقاومت، محیط اجتماعی مقاومت و ایران را هدف انتقاد قرار داد. ایران چه کرده که چنین مواضعی در برابر آن اتخاذ می‌کنید؟ ایران جنگ و محاصره را به‌جای شما تحمل کرده است. ایران چه چیزی از شما گرفته است؟

شیخ‌الخطیب خطاب به رئیس‌جمهور لبنان اظهار داشت: جناب رئیس‌جمهور، متهم کردن مقاومت و شهدا به اینکه عوامل ایران هستند، چه معنایی دارد؟ آیا آنان برای آزادسازی سرزمین ایران به میدان رفتند یا پیش از ایران نیز آرمان و مسئله‌ای مستقل داشتند؟ آیا جنوب لبنان و بقاع بخشی از حاکمیت ملی لبنان نیستند؟ به گزارش تسنیم، این شخصیت برجسته لبنانی تأکید کرد: ما از ایران با انگیزه‌های طایفه‌ای دفاع نمی‌کنیم، بلکه به این دلیل از آن حمایت می‌کنیم که در کنار ما و مردمان ایستاده است. آیا وفاداری اقتضا نمی‌کند که انسان‌های باوفا این حمایت و محبت را به رسمیت بشناسند؟ ایران از نظر جغرافیایی با ما فاصله زیادی دارد و کشورهای متعددی میان ما و آن قرار گرفته‌اند؛ اما تنها ایران بود که کنار لبنان ایستاد.

خبر ویژه

محاصره با زبان زور می‌شکند نه با سازش!

روزنامه زنجیره‌ای «شرق» در سرمقاله‌ای با تیتر «رفع محاصره دریایی چگونه ممکن است؟» بار دیگر همان ریل همیشگی جریان سازش و تسلیم را در پیش گرفته و در بزنگاه تقابل راهبردی با جنگ اقتصادی آمریکا، چشم به «راه‌های دیپلماتیک» دوخته است؛ نسخه‌ای که در میدان عمل بارها بی‌نتیجه ماندنش اثبات شده است.

نویسنده سرمقاله پس از اشاره به وضعیت «نه جنگ، نه صلح» و نگرانی‌های پیش از جنگ ۴۰روزه، تلاش می‌کند مسئله را به یک بن‌بست غیرنظامی تقلیل دهد و در نهایت حکم صادر می‌کند: «محاصره دریایی مشکلی است که باید از راه‌های دیپلماتیک حل شود.» این گزاره در حالی مطرح می‌شود که دشمن آمریکایی-صهیونیستی پس از آغاز تجاوز نظامی از ۹ اسفند سال گذشته و شکست در جنگ تحمیلی ۴۰روزه، به دنبال انسداد تنگه هرمز توسط نیروهای مسلح ایران، محاصره دریایی خارج از تنگه را کلید زده است. تکیه بر دیپلماسی در برابر متجاوزی که حتی در میانه مذاکرات قبلی دست به تجاوز زد و به هیچ‌بندی از تفاهم‌نامه اسلام آباد رحم نکرد، نه راه‌حل که ساده‌لوحی است.

این روزنامه همچنین مدعی می‌شود: «بعید است ترامپ در موقعیتی باشد که بتواند جز از طریق تاخت‌زدن محاصره دریایی با بازگشایی تنگه هرمز و بازگشت وضعیت به شرایط قبل از جنگ موافقت کند.» «شرق» با بزرگ‌نمایی موضع ترامپ پس از شکست در انتخابات داخلی آمریکا و تکرار لفاظی‌های تجاوزکارانه او، تلاش می‌کند قدرت بازدارندگی ایران را نادیده بگیرد. واقعیت این است که بسته‌ماندن تنگه هرمز بیش از آنکه چالشی برای ما باشد، بازار جهانی انرژی را دچار خفگی کرده و اهرم فشاری در دست ایران است تا متقابلاً کشتی‌های تجاری آمریکایی-صهیونیستی را توقیف کند.

سرمقاله‌نویس با استناد به تجربه عراق پس از جنگ کویت در سال ۱۹۹۴، می‌کوشد ابزارهای فشار میدانی را بی‌ثمر جلوه دهد، اما پاسخ واقعی به محاصره آمریکا، نه در میز مذاکره که در صحبت‌کردن با زبان موشک و پهپاد است؛ زبانی که سنتکام و ناوهای متجاوز را در اقیانوس هند و نزدیکی سواحل عمان به هراس می‌اندازد. حملات موشکی و پهپادی، هزینه محاصره را برای دشمن سرسام‌آور می‌کند. در کنار این ضربات سخت، بهره‌گیری از سایر کریدورها، توسعه ترانزیت چابهار، ناوگان سایه، مبادلات کالا به کالا با اعضای شانگهای و بریکس (چین، روسیه و هند)، مسیرهای خزر و مدیریت هوشمند باب‌المندب با محور مقاومت، دست ایران را پر نگه می‌دارد.

آنچه «شرق» تحت عنوان «راه‌حل دیپلماتیک» به خورد مخاطب می‌دهد، دعوت به عقب‌نشینی از برگ برنده‌های میدانی در برابر دشمنی است که تنها زبان قدرت، موشک و هزینه متقابل را می‌فهمد. مادامی که تنگه هرمز در اختیار نیروهای مسلح است و کارت‌های متعدد روی میز قرار دارد، این آمریکا و متجاوزان هستند که باید نگران مستأصل‌شدن و به زانو درآمدن باشند.

ایستادن کنار صهیونیست‌ها به بهانه مخالفت با جمهوری اسلامی

اپوزیسیون خارج‌نشین به نام «نجات ایران» و «آزادی میهن» از هیچ خیانت و جنایتی حتی فروش اطلاعات و جا زدن مناطق مسکونی به عنوان مکان نظامی ابایی ندارد؛ در مقابل شهرام همایون معتقد است: «مخالفت با ساختار سیاسی مجوز همکاری با دشمن نیست». شهرام همایون مدیر شبکه لس‌آنجلسی «کانال یک» در انتقاد به موج وطن‌فروشی اپوزیسیون و افرادی که مدعی میهن‌پرستی هستند، گفت: «شماها وطن‌فروشی را به فضیلت تبدیل کرده و حیثیت ایرانیان خارج از کشور را بر باد دادید تا جایی که حتی آمریکایی‌ها هم به ریش ما می‌خندند».

او با تاکید بر عبرت‌آموزی از تاریخ اضافه کرد: «سواد ندارید یا تاریخ نخوانده‌اید؟! شما یک دفعه از کجا آمدید؟! عراق را ندیدید؟! هنوز پول نفتی که می‌فروشد، دست آمریکایی‌هاست، برای خوردن آب هم باید اجازه بگیرد؛ لیبی و افغانستان را ندیدید که چطور شده است».

همایون همچنین اظهار داشت: «آنهائی که علیه پایان جنگ در خارج از کشور فعالیت می‌کنند به شبکه مالی اپوزیسیون وصل شده‌اند...آدم می‌کشند، تهدید می‌کنند و پول خرج می‌کنند که جنگ ادامه یابد».

اپوزیسیون به ظاهر وطن دوست در آرزوی قدرت، تمامیت ارضی ایران را وجه‌المعامله کرده و با کسانی همکاری می‌کند که رؤیای تجزیه ایران را دارند؛ چهره و تصویر بدون روتوش اپوزیسیون این‌جا به وضوح آشکار می‌گردد که از ایران و ایرانی می‌گوید ولی چشم به تل‌آویو و واشنگتن دوخته است.

با کدام منطق و استدلال مسیر آزادی، نجات و میهن‌پرستی در ویرانی ایران است؟! چرا مردم ساکن ایران باید هزینه قدرت‌طلبی فارسی‌زبانان خارج از ایران را بدهند؟! این فقط بخشی از پرسش‌هایی است که این روزها در افکار عمومی مطرح می‌شود. به هر ترتیب، جنایت «میناب» و «لامرد»، نجات ایران نیست بلکه سقوط وجدان انسانی است که با هیچ برهانی توجیه نمی‌شود اما در منطق اپوزیسیون موجه است.

نجات ایران و آزادی میهن نیز سفسطه و مغالطه است وگرنه وطن‌پرستی با ایستادن پای ایران تعریف می‌شود نه معامله‌کردن تمامیت ارضی ایران برای رسیدن به قدرت و تغییر ساختار سیاسی.

گفت و شنود

حیوانات محترم!

گفت: گزارش‌های موثق حکایت از آن دارند که امارات با راه‌اندازی شرکت ADNOC برای ترانزیت و انتقال نفت، بخش قابل‌توجهی از محموله‌های نفتی کشورهای جنوب خلیج فارس را از تنگه هرمز عبور می‌دهد و از این طریق سود کلانی هم به جیب می‌زند.

گفتم: چطوری؟! نیروهای غیور ما کشتی‌هایی را که بدون اجازه قصد عبور دارند، با موشک و پهپاد می‌زنند و برخی از آنها هم در برخورد با مین منفجر می‌شوند.

گفت: این شرکت اماراتی، صدها فروند شناور کوچک (شاتل) در اختیار دارد و از طریق آنها محموله‌های نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس را از تنگه عبور می‌دهد و در آن سوی تنگه هرمز به نفتکش‌های اقیانوس‌پیما منتقل می‌کند. ضمناً نفت را با تخفیف ۲۰ تا ۲۵ درصد از کشورها می‌خرد و سود کلانی به جیب می‌زند و البته هرگز نمی‌تواند ظرفیت قبلی عبور نفت را پُر کند.

گفتم: خُب نیروهای پا به رکاب ایران به شاتل‌ها حمله کنند.

گفت: حمله می‌کنند ولی به گفته یکی از کارشناسان برجسته کشورمان، تعداد شاتل‌ها خیلی زیاد و شبیه «گله خرگوش‌ها» است که با حمله ما بالاخره تعدادی هم عبور می‌کنند.

گفتم: باید لانه خرگوش‌ها، محل تغذیه و بارگیری آنها در مبدأ و کشتی‌های آماده بارگیری در مقصد را لت‌وپار کرد.

گفت: ایول! این جماعت که زبان آدم را نمی‌فهمند!

گفتم: مدیر باغ‌وحش چند بار از بازدیدکنندگان خواست که به حیوانات غذا ندهند ولی چون فایده‌ای نداشت، از بلندگو اعلام کرد؛ «حیوانات عزیز و محترم، لطفاً از بازدیدکنندگان غذا نگیرید!»

عراقچی: باید تحریم‌کنندگان را از رسیدن به اهدافشان ناامید کنیم

وزیر امور خارجه با تأکید بر اینکه محاصره زمینی ایران به دلیل وسعت کشور، ظرفیت استان‌های مرزی و پیوندهای گسترده با کشورهای همسایه تقریباً غیرممکن است، گفت: باید تحریم‌کنندگان را از رسیدن به اهدافشان ناامید کرد و تاب‌آوری کشور را به سطحی رساند که تحریم ایران اساساً از موضوعیت خارج شود.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، روز دوشنبه(۲ آذرماه) در حاشیه سمینار رؤسای نمایندگی‌های استانی وزارت امور خارجه با هدف «تقویت دیپلماسی استانی و توسعه نقش استان‌ها در پیشبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» در پاسخ به سؤال خبرنگار درباره اعلام عزم آمریکایی‌ها برای مسدود کردن مرزهای زمینی ایران و نقش دیپلماسی استانی در این مسیر تصریح کرد: محاصره زمینی ایران تقریباً غیرممکن است؛ چه به دلیل وسعت کشور، چه به دلیل تعدد استان‌ها که هر یک ظرفیت‌های متنوعی دارند، ارتباطات گسترده با استان‌های هم‌جوار در کشورهای همسایه، تردد بسیار زیاد و پیوندهای مردمی و ریشه‌های تاریخی و فرهنگی میان دو طرف مرز، ظرفیت‌هایی در استان‌های کشور به‌ویژه استان‌های مرزی ما وجود دارد که آنچه را دشمن می‌خواهد به روی ما ببندد، این استان‌ها می‌توانند باز کنند.

وی با تشریح سازوکار هماهنگی میان دفاتر استانی و سفارتخانه‌های ایران در کشورهای همسایه گفت: دفاتر وزارت امور خارجه در استان‌ها مأموریت یافته‌اند تا با مقامات، مسئولان اقتصادی و فعالان اقتصادی استان کار کنند، ظرفیت‌ها را شناسایی نمایند و اتصالات آن‌ها را با کشورهای همسایه برقرار کنند و سفارتخانه‌های ما در کشورهای همسایه نیز مأموریت دارند به ایجاد این ارتباطات کمک کنند.

وزیر امور خارجه در پایان تأکید کرد:وظیفه مجموعه کشور و همه مردم این است که دشمنان را از اعمال تحریم و فشار ناامید کنیم؛ بهترین راه مقابله با این فشارها آن است که تحریم‌کنندگان را از رسیدن به اهدافشان ناامید کنیم تا بدانند این ابزار کارایی ندارد و نخواهد داشت.

البته این به معنای کنار گذاشتن وظیفه دیگر وزارت امور خارجه یعنی گشودن راه‌های دیپلماتیک برای مذاکره و رفع تحریم‌ها نیست و آن مسیر نیز به جای خود جریان دارد اما معتقدیم مأموریت اصلی این است که تاب‌آوری کشور به جایی برسد که اصولاً تحریم کردن ایران خارج از موضوع باشد و کسی تصور نکند با فشار اقتصادی و تحریم بیشتر می‌تواند سر ملت ایران را خم کند.

کمک به تاب‌آوری کشور در مقابل تحریم‌ها

همچنین عراقچی در پاسخ به پرسش صدا و سیما درباره سازوکار این وزارتخانه برای تقویت استان‌ها در فرآیند تجارت کشور در شرایط تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اظهار داشت: با توجه به ظرفیت‌هایی که در استان‌های ما برای همکاری‌های خارجی با کشورهای همسایه و استان‌های هم‌جوارشان وجود دارد، در شرایط فعلی که فشارها و تحریم‌های اقتصادی افزایش یافته و دشمن به اثربخشی آن امید بسته‌اند، یکی از وظایف اصلی وزارت امور خارجه این است که به تاب‌آوری کشور در مقابل فشارها و تحریم‌ها کمک کند؛ این امر از طریق ایجاد ارتباطات اقتصادی، راهگشایی‌ها، یافتن بازارهای جدید و ایجاد دسترسی‌ها به‌طور خاص در کشورهای همسایه و حوزه پیرامونی انجام می‌شود و دیپلماسی استانی در این حرکت نقش مهمی دارد.

به گزارش ایرنا، وزیر امور خارجه با اشاره به تغییر مأموریت دفاتر استانی وزارت امور خارجه طی دو سال گذشته افزود: دفاتر نمایندگی وزارت امور خارجه در استان‌ها در طول تقریباً دو سال گذشته با شکل، ترکیب و مأموریت‌های جدیدی کار خود را دنبال کرده‌اند و وظیفه آن‌ها این است که ظرفیت‌های استان خود را شناسایی و فعال کنند و در ارتباط با کشورهای همسایه و استان‌های هم‌جوار، به پیشرفت استان و تأمین نیازهای کشور کمک نمایند؛ ما طی این دو سال چندین همایش برگزار کردیم که اگرچه شرایط جنگی تحمیل‌شده قدری این روند را با وقفه مواجه کرد، اما ارتباطات مستمر با استانداران ادامه داشت و امروز نیز همایشی با حضور تمامی دفاتر استانی وزارت خارجه و نمایندگانی از وزارتخانه‌های مختلف و مجلس برگزار شد و هم‌اندیشی بسیار خوبی درباره نحوه انجام وظایف در شرایط فعلی و همچنین تداوم خدمات کنسولی به ایرانیان و اتباع خارجی با قوت بیشتر صورت گرفت.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* طبق اعلام رئیس بنیاد شهید تعداد ۶۲۳ کودک در دو جنگ تحمیلی اخیر آمریکای جنایتکار و رژیم صهیونی کودک‌کش به کشورمان به شهادت رسیده‌اند. لعنت و عذاب الهی شامل این قاتلان از خدا بی‌خبر شود.

رودباری

*پیروزی ایران و ناکامی آمریکا در تحقق اهدافش، اکنون برای طرف آمریکایی به یک چالش بزرگ تبدیل شده است. بازدارندگی کشور را به نقطه‌ای رسانده‌ایم که اگر کسی بخواهد علیه رهبر معظم انقلاب یا مقامات عالی‌رتبه کشور ما عملیات ترور انجام دهد، باید بداند در خانه خودش با اقدامی مشابه مواجه خواهد شد.

کاوه

* نامتقارنی اقتصادی، معادله جنگ را به زیان واشنگتن تغییر داده است. ایران ماهانه حدود ۱۰ هزار پهپاد شاهد با هزینه حدود ۳۰ هزار دلار برای هر فروند تولید می‌کند. ولی آمریکا در پاسخ، موشک‌های رهگیری شلیک می‌کند که هر یک حدود ۴ میلیون دلار قیمت دارد. این یعنی یک پهپاد ۳۰ هزار دلاری، یک رهگیر ۴ میلیون دلاری را فعال می‌کند. طبیعی است که چنین معادله‌ای، اقتصاد جنگ را برای آمریکا غیرقابل تحمل می‌کند.

قدسیان

*شکست سنگین ترامپ و حزبش در انتخابات آمریکا بار دیگر ثابت کرد هر کس لگدی یا سنگی به سمت ایران انداخت چوبش را خواهد خورد و یقه‌اش را رها نخواهیم کرد. اولین اصل بازدارندگی و اولین گام انتقام این است.

نقوی

*هیچ بعید نیست، شکست تاریخی جمهوری‌خواهان آمریکا در انتخابات میان‌دوره‌ای، این کشور را به سمت کاهش عمیق‌تر نقش جهانی خود سوق دهد. تحولی که پیامد آن صرفاً محدود شدن توانایی دونالد ترامپ برای ادامه جنگ با ایران نخواهد بود.

مهرانفر

* هزینه بیمه عبور نفتکش از تنگه هرمز از ۵۴ هزار دلار به ۶۴ میلیون دلار جهش کرد. افزایش سرسام‌آور هزینه کشتیرانی در کنار هزینه روزانه ۳۲ میلیون دلاری محاصره دریایی ایران برای آمریکا، فشار اقتصادی این درگیری را بیش از پیش نمایان کرده و ترامپ را به شدت دچار سردرگمی نموده است. واقعاً در گِل گیر کرده است!

عابدپور

* امروز بیش از هر زمان دیگر، کشور به ارکانی هماهنگ، مدیرانی مسئول و جریان‌هایی نیاز دارد که منافع ملی را قربانی رقابت‌های سیاسی نکنند. نباید فراموش کرد که دشمنان جمهوری اسلامی، به‌ویژه رژیم صهیونی، از شکل‌گیری انسجام درونی و تثبیت اقتدار سیاسی کشور نگران هستند.

کشکولی

*به بهانه درگذشت رضا امیرخانی نویسنده تراز و رمان‌نویس مشهور کشورمان، عرض می‌کنم نویسنده تراز یعنی هنرمندی که در زمان صلح شجاعت انتقاد را داشته باشد و در زمان جنگ شرافت دفاع از کشور را.

رئوف‌منش

*فرزند شهید فخری‌زاده تعریف می‌کند پدرم می‌گفت به دانشی رسیده‌ایم که بمب هسته‌ای در برابر آن شوخی است. بر این اساس ناگفتنی‌های زیادی از پیشرفت‌های علمی در کشور وجود دارد که بتدریج برای همگان آشکار خواهد شد.

شریف‌زمین

*کسی منکر تاثیر جنگ بر روی قیمت‌ها در بازار نیست ولی کارشناسان معتقدند ۲۵ درصد گرانی‌های اخیر مربوط به جنگ است و ۷۵ درصد مابقی به سیاست گران‌سازی دولت برمی‌گردد. اگر دولت سیاست‌های گران‌سازی را کنار بگذارد و مثل دوران جنگ تحمیلی بازار را مدیریت کند، هیچ جنگی نمی‌تواند قیمت‌ها را بالا ببرد.

افسری

*ایران برای عبور از مخاطرات پیش‌رو به همه سرمایه‌های انسانی، فکری، اقتصادی و فرهنگی خود نیاز دارد. نمی‌توان از اقتدار ملی سخن گفت، اما بخش‌هایی از جامعه را نادیده گرفت.

هورشاد

*دولت آمریکا سال مالی ۲۰۲۷ را با ثبت ۴۰۴ میلیارد دلار کسری بودجه آغاز کرده است. رقمی که از افزایش شکاف میان درآمدها و هزینه‌های دولت در شروع این سال مالی حکایت دارد.

زمان‌پرور

*گوین نیوسام، فرماندار کالیفرنیا، حمله به مدرسه میناب را «مایه ننگ» خوانده و گفته ترامپ باید بابت بمباران این مدرسه عذرخواهی کند. او همچنین مسئله هسته‌ای را بهانه‌ای برای حمله به ایران دانسته است. مقامات آمریکایی خودشان به جنایتشان اعتراف می‌کنند اما برخی از اصلاح‌طلبان غربگرا وقیحانه می‌گویند معلوم نیست حمله موشکی به مدرسه میناب کار آمریکا باشد!

روغنی‌زاد

* در ابتدای درگیری‌ها، این تصور در میان مقامات سعودی وجود داشت که جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه ممکن است به فروپاشی جمهوری اسلامی بینجامد، اما وقتی دریافتند که ساختار سیاسی ایران ثبات و تاب‌آوری نظامی به مراتب فراتر از تصورات آنان دارد، موضع خود را تغییر دادند و اکنون خواستار اتمام جنگ هستند.

مقتدری

* به اعتراف بیگانگان، ایران در حال توسعه توانایی و ظرفیت دیگری برای انجام حملات سایبری با استفاده از هوش مصنوعی است. به گزارش شبکه ۱۴ تلویزیون رژیم صهیونی، مسئله صرفاً به یک یا دو تهاجم مربوط نمی‌شود، بلکه تکرار حملات منجر به آسیب رساندن به کل ساختار می‌شود.

حجازی

*فیلم سرزده‌ای از اتاق تاریک و سرد رئیس‌جمهور کشورمان منتشر شده تا ساده زیستی و صرفه‌جویی در زندگی روزمره را فرهنگ‌سازی کند. اما خروجی چنین تصویری در فضای جنگی، به‌جای نمایش تدبیر و مدیریت، برجسته‌کردن کمبودها و ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه است. تصویری که به دشمن پیام می‌دهد فشارهایش اثر گذاشته و می‌تواند با تشدید آن، امتیاز بیشتری بگیرد.

اولائی

* از آقای دکتر زاکانی که برای باز شدن گره مسکن برنامه‌ریزی و تلاش می‌کند تا در حد توان و چارچوب وظایف شهرداری بتواند گره مسکن را از زندگی مردم باز کند، تقدیر و تشکر می‌کنیم. امیدواریم دولت نیز در این امر خطیر کمک کند.

شریفی

* جفری ساکس استاد دانشگاه و مدیر مرکز توسعه پایدار در دانشگاه کلمبیا گفته که ترامپ یک احمق و دشمن شماره یک اروپا است!

قائدی

*۲۲۵نفر، ۵۰ میلیارد یورو معادل ۵۷ میلیارد دلار از بانک مرکزی پول گرفتند برای واردات! اما بر نگرداندند! آن وقت یه عده منتظرند آمریکا ۶ میلیارد دلار در مذاکره به ما بدهد!؟

حسنی

* آقای پزشکیان می‌گوید «ما می‌توانیم با عزت گفت‌وگو کنیم و با عزت موضوع را تمام کنیم.» آقای رئیس‌جمهور با گرگ درنده چگونه می‌شود با عزت صحبت و گفت‌وگو کرد؟ در همین حال به گفته آقای بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، دشمن آمریکایی- صهیونی تاکنون سه بار به مذاکرات خیانت کرده و در وسط مذاکرات به ایران حمله کرده است! یعنی باز هم خود را برای حمله دشمن در حال مذاکره آماده کنیم!

عنبری

*یک مقام مسئول دولتی گفته است به جهت مدیریت مالی، هر سه ماه یک بار نرخ سوم بنزین باید بازنگری شود. حال که چنین است زحمت کشیده حقوق کارمندان و حقوق بگیران را مانند نرخ بنزین هر سه ماه یک بار بازنگری بکنند. مسئولان مربوطه چرا جامع‌الاطراف به موضوعات نگاه نمی‌کنند.

مشعورا

*با شکایات و پیگیری‌های مردمی و بررسی شورای نگهبان و رای دیوان عدالت اداری، ستاد موازی شورای عالی فضای مجازی، غیرشرعی اعلام و منحل شد. این اقدام قابل تحسین شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری را باید به فال نیک گرفت و خداقوت گفت.

امتی

*اگر ما از آنچه که در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا اتفاق افتاده خوشحالیم نه به خاطر پیروزی دموکرات‌هاست. ما از شکست متجاوز به خاک ایران خرسندیم. ما از آن جهت خوشحالیم که یک غول بی‌شاخ و دم آمده بود و هدف‌گذاری‌اش برای در هم شکستن تمدن چندین هزار ساله ایرانی بود ولی الان دستش از پایش درازتر شده و خودش اسیر رژیم چنج است.

هادوی

*با تاخیری که اخیراً در بیش از ۱۶۰۰ پرواز در آمریکا به دلیل نقص فنی به وجود آمد و موجب آشفتگی در برنامه‌های پروازی و سرگردانی مسافران در فرودگاه‌ها گردید،یک مقام اطلاعاتی آمریکا گفته آمریکایی‌ها باید انتظار قطعی‌ها و اختلالات بیشتری را در حوزه فناوری داشته باشند. زیرا شرکت‌ها و نهادهای دولتی در حال جایگزینی سامانه‌های فرسوده هستند!. البته که هیچ اشاره‌ای به ضعف عملکرد دولت فشل آمریکا نمی‌کنند!

گنجی